



خرید اظهار نظر حسابرس و معاملات با اشخاص وابسته: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

حسن یاری^۱

محمود شه‌بخش^۲

رافیک باغومیان^۳✉

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر جهت بررسی رابطه میان خرید اظهار نظر حسابرس و معاملات با اشخاص وابسته صورت پذیرفته است. در این راستا، صورت‌های مالی ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است و به روش توصیفی-همبستگی انجام شد. در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری خرید اظهار نظر حسابرس از شاخص ترکیبی امیری و فخاری (۱۳۹۹) استفاده شد. در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته متغیر مستقل است که به صورت تقسیم معاملات با اشخاص وابسته بر فروش اندازه‌گیری شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون لجستیک و نرم‌افزار Eviews 10 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهار نظر حسابرس رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین، میان معاملات با اشخاص وابسته غیر عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرس رابطه مستقیم و معناداری مشاهده شد. این در حالی است که میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری یافت نشد. **واژه‌های کلیدی:** خرید اظهار نظر حسابرس، معاملات با اشخاص وابسته، معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی، معاملات با اشخاص وابسته غیر عملیاتی، کیفیت حسابرسی.

۱ گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. Hasanyari238@gmail.com

۲ گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. Mahmoud3037003@gmail.com

۳ گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. r_baghomian@sbu.ac.ir



۱- مقدمه

در استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران، معامله با شخص وابسته به صورت انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن تعریف شده است. شرکت‌ها غالباً از معاملات با اشخاص وابسته به عنوان مکانسمی برای تقلب مالی و سلب مالکیت سهامداران اقلیت استفاده می‌کنند (کلیک و می‌هو، ۲۰۱۰؛ رینگرت و توماس، ۲۰۱۲). معاملات با اشخاص وابسته، در صورتی که به عنوان ابزاری برای اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند تخریب‌کننده ارزش باشد (تئوری تضاد منافع) (چانگ و هانگ، ۲۰۰۰). مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهند که سوء استفاده از معاملات با اشخاص وابسته، تاثیر نامطلوبی بر عملکرد آتی و ارزش شرکت‌ها می‌گذارد (کلیک و می‌هو، ۲۰۱۰؛ رینگرت و توماس، ۲۰۱۲؛ ژو و ژو، ۲۰۱۲؛ دارابی و داودخانی، ۱۳۹۴). از سویی دیگر، معاملات با اشخاص وابسته بر اساس تئوری معاملات کارا می‌تواند باعث تخصیص بهینه منابع داخلی، کاهش هزینه‌های معاملاتی (خان و پاپلو، ۱۹۹۷؛ شین و پارک، ۱۹۹۹) و بهبود عملکرد شرکت (خان و پاپلو، ۲۰۰۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۵) شود. از طرفی، حسابرسان در گزارشگری و نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته نقش اساسی ایفا می‌کنند (بنوری و همکاران، ۲۰۱۵). بر اساس الزامات استاندارد حسابرسی شماره ۵۵۰ ایران، حسابرسان بایستی خطرهای تحریف بااهمیت مربوط به روابط و معاملات با اشخاص وابسته را مشخص و ارزیابی کنند. حسابرس بایستی معاملات عمده با اشخاص وابسته که خارج از روال عادی عملیات واحد تجاری است را عامل ایجاد خطرهای عمده محسوب کند (استاندارد حسابرسی شماره ۵۵۰ ایران). در نتیجه، حسابرسان مستقل بایستی معاملات با اشخاص وابسته را به عنوان عاملی که ریسک ذاتی را افزایش می‌دهد، تلقی کنند (گوردون و همکاران، ۲۰۰۷). هر چه حسابرس اذعان داشته باشد که معاملات با اشخاص وابسته خطر تحریف با اهمیت را افزایش می‌دهد، برای پوشش مسئولیت قانونی خود، هزینه (حق الزحمه) بیشتری را مطالبه می‌کند. بنابراین، حق الزحمه حسابرسی زمانی که معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد، بیشتر خواهد بود؛ زیرا حسابرسان بایستی برای انجام مسئولیت‌های خود، اقدامات (زمان و تلاش) بیشتری انجام دهند (کلیک و می‌هو، ۲۰۱۰؛ حبیب و همکاران، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ واعظ و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که با افزایش ریسک حسابرسی، نسبت شرکت‌هایی که اظهارنظر تعدیل شده دریافت می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند (دی‌فوند و همکاران، ۱۹۹۹؛ فرانسیس و کریشان، ۱۹۹۹). اظهارنظر تعدیل شده می‌تواند پیامدهای جدی برای شرکت در بر داشته باشد مانند تعلیق معاملات اوراق بهادار و واکنش منفی بازار (چن و همکاران، ۲۰۰۰؛ هاو و همکاران، ۲۰۰۳). از این رو، شرکت‌ها به منظور اجتناب از اظهارنظر تعدیل شده، حسابرس را تحت فشار قرار می‌دهند تا به اظهارنظر خود بهبود بخشند (لینوکس، ۲۰۰۰). به عبارتی، به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس از طریق خرید اظهارنظر حسابرس هستند. با توجه به موارد گفته شده، انتظار می‌رود که میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مستقیمی وجود داشته باشد. امیری و فخاری (۱۳۹۹) عواملی از جمله تعدد موسسه‌های حسابرسی کوچک و متوسط ناشناخته در بازار حسابرسی ایران،

افزایش سریع رقابت در بازارهای حسابرسی ایران به همراه انگیزه‌های مدیریتی و تأکید دولت بر استمرار سیاست خصوصی‌سازی حرفه حسابرسی را از جمله دلایل خرید اظهارنظر حسابرسان در ایران ذکر می‌کنند. قابل ذکر است که تاکنون پژوهشی در ایران به بررسی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر خرید اظهارنظر حسابرسان نپرداخته است و شکاف قابل توجهی در ادبیات موجود وجود دارد که پژوهش حاضر به دنبال پر کردن آن است. لذا در پژوهش حاضر تلاش شده که به این سوال پاسخ داده شود که آیا بین معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد؟ همچنین، در پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل بیشتر، رابطه میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و غیرعملیاتی با خرید اظهارنظر حسابرسان سنجیده می‌شود. سازماندهی مقاله چنین است که در ابتدا ضمن بیان مبانی نظری، پژوهش‌هایی که پیرامون موضوع پژوهش صورت گرفته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، به بیان روش انجام پژوهش، جامعه و نمونه آماری پرداخته و روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل نتایج ارائه می‌گردد و در پایان، نتیجه‌گیری و بررسی تطبیقی یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- خرید اظهارنظر حسابرسان

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که اظهارنظر تعدیل شده، انتظارات سرمایه‌گذاران از ارزش شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین، اظهارنظر تعدیل شده می‌تواند پیامدهای جدی برای شرکت در بر داشته باشد مانند تعلیق معاملات اوراق بهادار یا هزینه بالای سرمایه (چو و رایس، ۱۹۸۲؛ دوپاچ و همکاران، ۱۹۸۶؛ جونز، ۱۹۹۶؛ هاو و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین، انتظار می‌رود اظهارنظری که حسابرسان درباره صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند، بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان اثرات زیادی داشته باشد؛ به گونه‌ای که استفاده‌کنندگان، به اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسان شده اعتماد کرده و انتظارات خود را بر اساس منافع اقتصادی آتی از سرمایه‌گذاری و یا توانایی بازپرداخت اصل و فرع دیون، تبیین می‌کنند (امیری و فخاری، ۱۳۹۹). از این رو، شرکت‌ها به منظور اجتناب از اظهارنظر تعدیل شده، حسابرسان را تحت فشار قرار می‌دهند تا به اظهارنظر خود بهبود بخشند (لینوکس، ۲۰۰۰). بر اساس تعریف کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC)، خرید اظهارنظر حسابرسان به شرایطی اطلاق می‌شود که شرکت به دنبال حسابرسانی است که تمایل دارد از طریق حمایت از رویه‌های حسابداری شرکت، به تحقق اهداف گزارشگری شرکت کمک کند؛ هر چند این عمل حسابرسان ممکن است قابلیت اعتماد گزارش‌های مالی را از بین ببرد. در این رابطه امیری و فخاری (۱۳۹۹) با استفاده از رویکرد الگوی معادلات همزمان به این نتیجه رسیدند که اثر دو سویه معکوس و معناداری میان خرید اظهارنظر حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورس تهران وجود دارد. در این میان، یافته‌های پژوهش لینوکس (۲۰۰۰) از اهمیت خاصی برخوردار است. وی با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های

انگلیسی و مدل پیش‌بینی اظهارنظر حسابرسی یافت که به طور کلی اظهارنظر حسابرسی بعد از تغییر حسابرس (توسط مشتریان) بهبود پیدا نمی‌کند. هر چند، یافته‌های او نشان داد که شرکت‌ها با تغییر حسابرس، احتمال دریافت اظهارنظر تعدیل شده را کاهش می‌دهند. مطالعات دیگری نیز وجود دارند که نشان می‌دهند شرکت‌ها، حسابرسان را به منظور خرید اظهارنظر حسابرس تغییر می‌دهند. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) یافتند که حسابرسان در شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی دارای استقلال کمتری است، پس از صدور اولین اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت، به احتمال زیاد اخراج خواهند شد. دیویدسون و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها پس از دریافت اظهارنظر تعدیل شده، ممکن است حسابرس خود را تغییر دهند و متعاقباً اقلام تعهدی غیرعادی بیشتری را نشان دهند (مدیریت سود بیشتری انجام دهند). نیوتون (۲۰۱۵) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی نشان داد که در بازارهای حسابرسی رقابت‌پذیر، شرکت‌ها در خرید اظهارنظر تعدیل نشده در رابطه با کنترل‌های داخلی موفق هستند. در ایران نیز زینالی (۱۳۹۲) و وکیلی فرد و محمدی (۱۳۹۴) رابطه معناداری میان تغییر حسابرس و تغییر اظهارنظر حسابرسی یافتند.

۲-۲- معاملات با اشخاص وابسته

در رسوایی‌های مالی اخیر، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان یکی از کانون‌های نگرانی بوده است و به طور فزاینده‌ای روش مهمی برای تقلب مالی محسوب می‌شود. رسوایی‌های مالی اخیر از جمله انرون، ورلدکام، آدلفیا و تیکو یادآور میزان تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش‌گذاری شرکت و کل بازار سرمایه است (چن، ۲۰۲۰؛ اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۹۵). در تئوری‌های موجود، دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که عبارتند از: نگرش رفتار فرصت‌طلبانه (تئوری تضاد منافع) و نگرش رفتار کارا (فرضیه معاملات کارا). بر اساس تئوری رفتار کارا، مکانیسم‌های ناکارآمد بازار و ضعف اجرای قانون، هزینه‌های معاملات را برای شرکت‌های مستقل افزایش می‌دهد. بنابراین، شرکت‌ها می‌توانند با تشکیل گروه‌های شرکتی و استفاده از معاملات با اشخاص وابسته باعث بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه‌های معاملات و بهبود نرخ بازده دارایی‌ها شوند (شین و پارک، ۱۹۹۹؛ خانا و پاپلو، ۲۰۰۰). مطالعات متعددی در رابطه با چگونگی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر کاهش هزینه‌های معاملاتی و تسهیل تخصیص منابع داخلی وجود دارد. چن و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که شرکت‌ها در صنایع رقابتی تمایل دارند از معاملات با اشخاص وابسته به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های معاملاتی استفاده کنند که این امر احتمالاً ریسک ورشکستگی آن‌ها را کاهش می‌دهد. وانگ و همکاران (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند که معاملات با اشخاص وابسته ابزاری برای بهبود کارایی تخصیص منابع در میان شرکت‌های وابسته در یک گروه تجاری واحد است. از سوی دیگر، تئوری تضاد منافع از معاملات با اشخاص وابسته به عنوان فعالیت‌های تخریب‌کننده ارزش یاد می‌کند که می‌تواند برای تصاحب دارایی سهامداران مورد سوء استفاده قرار گیرد (چانگ و هانگ، ۲۰۰۰). شواهد و مطالعات زیادی در حمایت از تئوری تضاد منافع وجود دارد. گوردن و همکاران (۲۰۰۴) با استفاده از نمونه‌ای

از شرکت‌های آمریکایی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با معاملات با اشخاص وابسته بیشتر، بازدهی آتی سهام کمتری دارند. کلبک و می‌هو (۲۰۱۰) یافتند شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص بیشتری دارند نسبت به شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته کمتری دارند، ارزش‌گذاری و بازده آتی کمتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر آن، مطالعات متعددی وجود دارد که رابطه میان معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی می‌کند. گوردن و هنری (۲۰۰۵) نشان دادند که تامین مالی با نرخ ثابت از اشخاص وابسته رابطه مستقیمی با قدرمطلق اقلام تعهدی غیرعادی دارد. لی و همکاران (۲۰۱۶) و نجفیان و صفری گرایلی (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که معاملات با اشخاص وابسته، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. جیان و وانگ (۲۰۱۰)، سرلک و اکبری (۱۳۹۲) و حاجیها و آزادخواه (۱۳۹۹) یافتند که میان معاملات با اشخاص وابسته با دستکاری و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. حبیب و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که وجود معاملات با اشخاص وابسته، حق‌الزحمه حسابرسان را افزایش می‌دهد؛ زیرا معاملات با اشخاص وابسته، حسابرسان را در معرض ریسک قابل توجهی قرار می‌دهد. در ایران نیز عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و واعظ و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که میان معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۲-۳- خرید اظهارنظر حسابرسان و معاملات با اشخاص وابسته

دیویدسون و همکاران (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که خرید اظهارنظر حسابرسان، هزینه نمایندگی است؛ زیرا مدیران به دنبال حسابرسانی هستند که کیفیت پایین‌تری در کارشان دارند. این امر به نوبه خود از کیفیت اطلاعات منتشر شده در بازارهای مالی می‌کاهد و باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. برای مثال، مدیران به منظور پنهان کردن ضعف عملکرد خود، در پی تغییر حسابرسان یا حفظ حسابرسان قبلی هستند تا با متقاعد کردن حسابرسان به اظهارنظر مطلوبی دست یابند (امیری و فخاری، ۱۳۹۹). از طرفی، حسابرسان به منظور رعایت الزامات حسابرسانی، بایستی خطرهای تحریف با اهمیت مربوط به روابط و معاملات با اشخاص وابسته را مشخص و ارزیابی کنند (استاندارد حسابرسانی شماره ۵۵۰ ایران). در مقایسه با معاملات انجام شده در محیط کسب‌وکار رقابتی، شرکت‌ها اختیارات زیادی در رابطه با تعیین زمان‌بندی، میزان و ارزش معاملات با اشخاص وابسته دارند که ممکن است ارزش شرکت را کاهش دهد (چنگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کلبک و می‌هو، ۲۰۱۰). معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند برای تصاحب منافع سهامداران اقلیت از طریق دستکاری سود یا منحرف ساختن منابع مالی از شرکت‌های خود، مورد استفاده قرار گیرد (جیان و وانگ، ۲۰۰۴). همچنین، از معاملات با اشخاص وابسته می‌توان برای حفظ شرکت‌های وابسته که به تازگی تاسیس شده‌اند و یا در مشکلات مالی هستند، استفاده کرد (چانگ و هانگ، ۲۰۰۰؛ فریدمن و همکاران، ۲۰۰۳). در نتیجه، حسابرسان مستقل بایستی معاملات با اشخاص وابسته را به عنوان عاملی که ریسک ذاتی را افزایش می‌دهد، تلقی کنند (گوردون و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین، بر اساس استاندارد حسابرسانی شماره ۵۵۰، حسابرسان باید معاملات عمده با

اشخاص وابسته که خارج از روال عادی عملیات واحد تجاری است را عامل ایجاد خطرهای عمده محسوب کند. هرچه حسابرس اذعان داشته باشد که معاملات با اشخاص وابسته خطر تحریف با اهمیت را افزایش می‌دهد، برای پوشش مسئولیت قانونی خود، هزینه (حق‌الزحمه) بیشتری را مطالبه می‌کند. بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی زمانی که معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد، بیشتر خواهد بود؛ زیرا حسابرسان بایستی برای انجام مسئولیت‌های خود، اقدامات (زمان و تلاش) بیشتری انجام دهند (کلبک و می‌هو، ۲۰۱۰؛ حبیب و همکاران، ۲۰۱۵؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ واعظ و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش ریسک حسابرسی، نسبت شرکت‌هایی که اظهارنظر تعدیل شده دریافت می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند (دی‌فوند و همکاران، ۱۹۹۹؛ فرانسیس و کریشنان، ۱۹۹۹). دریافت اظهارنظر تعدیل شده می‌تواند قیمت اوراق بهادار شرکت را کاهش داده و در مواردی نیز باعث تعلیق معاملات اوراق بهادار شرکت شود. همچنین، دریافت اظهارنظر تعدیل شده می‌تواند توانایی شرکت را برای تامین مالی در آینده کاهش داده و موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت شود. از طرفی، شرکتی که اظهارنظر تعدیل شده دریافت نموده است، تحت نظارت قانونی بیشتری است که این امر به طور بالقوه رفتار (اقدامات) فرصت‌طلبانه مدیریت را محدود می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لین و لیو، ۲۰۱۰). از این رو، شرکت‌ها به منظور اجتناب از اظهارنظر تعدیل شده، حسابرس را تحت فشار قرار می‌دهند تا به اظهارنظر حسابرس بهبود بخشند (لینوکس، ۲۰۰۰). به عبارتی، به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس از طریق خرید اظهارنظر حسابرس هستند. چن (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که در شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته بیشتری دارند، خرید اظهارنظر حسابرسی در سطح شریک افزایش می‌یابد و این شرکت‌ها برای بهبود در اظهارنظر حسابرسی، از انگیزه بیشتری برخوردار هستند تا موسسه‌های حسابرسی را از طریق تغییر شریک حسابرسی تحت فشار قرار دهند. با توجه به موارد گفته شده، فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شود:

فرضیه اول پژوهش: بین معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در پژوهش حاضر به پیروی از پژوهش حاجیه‌ها و آزادزاده (۱۳۹۷)، معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی به صورت مجموع خرید و فروش کالاها و خدمات و معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی به صورت مجموع سایر درآمدها و سایر هزینه‌ها تعریف شده است. بر اساس نگرش رفتار کارا (فرضیه معاملات کارا) می‌توان استدلال نمود که خرید و فروش اشخاص وابسته می‌تواند همکاری میان واحدها را افزایش داده و کارایی عملیاتی، رقابت‌پذیری میان شرکت‌های گروه و ارزش شرکت را به حداکثر برساند (لیو و لیو، ۲۰۰۷؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). این امر باعث کاهش ریسک و تلاش حسابرسی و بالتبع کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۵). با این وجود، می‌توان گفت که شرکت‌های مادر می‌توانند برای تصاحب منافع سهامداران اقلیت بر معاملات خرید و فروش با اشخاص وابسته تکیه کنند (جیان و وانگ، ۲۰۱۰). بنابراین، نمی‌توان رابطه مشخصی میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و دریافت اظهارنظر تعدیل شده

متصور بود که در نتیجه آن شرکت به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس از طریق خرید اظهارنظر حسابرس باشد (چن، ۲۰۲۰). از طرفی، ادبیات از معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی به عنوان فعالیت‌های تخریب‌کننده ارزش یاد می‌کند. بنابراین، شرکت‌هایی که چنین معاملاتی را انجام می‌دهند، عملکرد آتی ضعیفی خواهند داشت و در آینده با بحران مالی روبه‌رو خواهند شد (برکمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ جیانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ کلبک و می‌هو؛ ۲۰۱۰). چنین معاملاتی، حسابرسان را با ریسک حسابرسی قابل توجهی روبه‌رو می‌سازد (حبیب و همکاران، ۲۰۱۵) و احتمال دریافت اظهارنظر تعدیل شده را افزایش می‌دهد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، انتظار می‌رود که در شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی بیشتری دارند، بیشتر شاهد خرید اظهارنظر حسابرس باشیم. چن (۲۰۲۰) استدلال می‌کند که زمانی که معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی، بخش عمده‌ای از معاملات با اشخاص وابسته را تشکیل می‌دهند، رابطه مثبت میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس قوی‌تر است (وجود رابطه مثبت و معنادار میان معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس در سطح شریک و وجود رابطه غیرمعنادار میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس در سطح شریک). با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم و سوم پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شود:

فرضیه دوم پژوهش: میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم پژوهش: میان معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش، به لحاظ نوع استدلال از نوع قیاسی-استقرایی، به لحاظ هدف از نوع کاربردی و تصمیم‌گرا، به لحاظ بعد زمان از نوع گذشته‌نگر و از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان خرید اظهارنظر حسابرس و معاملات با اشخاص وابسته می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. شرکت‌های ثبت شده نزد بورس و اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش بوده و قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ است و شرکت‌هایی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب می‌شوند که تمامی شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱) سال مالی یا فعالیت شرکت طی سال‌های مورد مطالعه تغییر نکرده باشد.
- ۲) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- ۳) شرکت‌های مورد مطالعه نباید متعلق به صنایع بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی، واسطه‌گری‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌های مالی باشد.

۴) از آنجایی که برای محاسبه برخی متغیرهای پژوهش به داده‌های یک سال قبل از دوره زمانی پژوهش نیاز است، بایستی تمامی داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب در طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ در دسترس باشد.

۵) شرکت‌های منتخب از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های بازار باشند. با توجه به معیارهای تعیین شده، ۱۱۷ شرکت طی سال‌های مذکور (۵۸۵ سال-شرکت) انتخاب شدند. اطلاعات این شرکت‌ها از پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شد. در این پژوهش با بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش از طریق بررسی مقاله‌ها و نیز طبقه‌بندی داده‌های مورد نیاز با استفاده از نرم‌افزار اکسل و انجام آزمون‌های آماری مربوط با استفاده از نرم‌افزار Eviews 10، نتایج آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۴- مدل پژوهش و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۱ و برای آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش از مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۲ استفاده شده است:

(۱)

$$OPShopping_{it}-Index_{it} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 LOSS_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 RECINV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \square_{it}$$

(۲)

$$OPShopping_{it}-Index_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP-RPT_{it} + \beta_2 NONOP-RPT_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 CFO_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 GROWTH_{it} + \beta_8 RECINV_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \square_{it}$$

در مدل‌های فوق، $OPShopping_{it}-Index$ = خرید اظهارنظر حسابرسان، RPT = معاملات با اشخاص وابسته، $OP-RPT$ = RPT = معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی، $NONOP-RPT$ = معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی، $LOSS$ = زیان شرکت، CFO = جریان نقدی عملیاتی، LEV = اهرم مالی، $SIZE$ = اندازه شرکت، $GROWTH$ = رشد فروش، $RECINV$ = نسبت مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، ROA = نرخ بازده دارایی‌ها و AGE = عمر شرکت است.

متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی به شرح ذیل اندازه‌گیری شده‌اند:

متغیر وابسته

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرسان از شاخص ترکیبی امیری و فخاری (۱۳۹۹) استفاده شده است. آن‌ها با استفاده از روش‌های ریاضی و آماری تحلیل ممیزی، اقدام به تدوین شاخصی کردند و نشان دادند که شاخص ترکیبی، برآورد بهتری از معیارهای تک‌بعدی خرید اظهارنظر ارائه می‌کند. در ساخت

شاخص ترکیبی، آن‌ها با استفاده از ملاحظات مفهومی و تئوریک به شناسایی هفت شاخص انفرادی شامل تاخیر غیرمنتظره ارائه گزارش حسابرسی، تغییر مؤسسه حسابرسی، دوره زیاد تصدی مؤسسه حسابرسی، تغییر شریک مؤسسه حسابرسی، حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، بهبود در اظهارنظر حسابرس و کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرسی نسبت به سال قبل اقدام نمودند و سپس با توجه به شرایط داده‌های مورد انتظار، از فن تحلیل ممیزی به منظور تعیین ضرایب در تدوین شاخص ترکیبی استفاده کردند. در نهایت، شاخص ترکیبی آن‌ها به شرح زیر تدوین شده است:

(۳)

$$0/357 \text{ AuditChange}_{it} + ++ 0/504 \text{ QURemarks}_{it} = 0/071 \text{ OPImprovement}_{it} \text{ OPShopping}_{it}\text{-Index}_{it} \\ - 0/053 \text{ AudReportLag}_{it} 0/458 \text{ Tenure}_{it} + 1/032 \text{ PartnerChange}_{it} + 0/178 \text{ AbnAuditfee}_{it}$$

که در رابطه ۳:

$\text{OP-Shopping}_{it}\text{-Index}_{it}$ = شاخص ترکیبی خرید اظهارنظر حسابرس

$\text{OPImprovement}_{it}$ = بهبود اظهارنظر حسابرس

QURemarks_{it} = کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرسی نسبت به سال قبل

AuditChange_{it} = تغییر مؤسسه حسابرسی

Tenure_{it} = دوره زیاد تصدی مؤسسه حسابرسی

$\text{PartnerChange}_{it}$ = تغییر شریک مؤسسه حسابرسی

AbnAuditfee_{it} = حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی

AudReportLag_{it} = تاخیر غیرمنتظره گزارش حسابرسی

در رابطه فوق که توسط امیری و فخاری (۱۳۹۹) تدوین شده است، شاخص تصمیم‌گیری برای تشخیص وقوع خرید اظهارنظر برای شرکت‌ها بدین صورت است که ابتدا با وارد کردن داده‌های متغیرها در رابطه با فوق، مقدار حاصل از رابطه برای هر سال-شرکت بدست آمده است. سپس به منظور طبقه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ خرید اظهارنظر حسابرس و فاقد خرید اظهارنظر حسابرس، از مقدار نقطه بحرانی ۰/۱۳۵ استفاده شده است. شرکت‌هایی که مقدار آن‌ها بیش از عدد فوق باشد، بیانگر شرکت‌هایی است که خرید اظهارنظر حسابرس داشته‌اند و به آن‌ها عدد یک تعلق گرفته است. در غیر این صورت، مقادیر پایین‌تر از نقطه بحرانی در رابطه فوق نشان‌دهنده شرکت‌هایی است که خرید اظهارنظر حسابرس نداشته‌اند و به آن‌ها عدد صفر تعلق گرفته است.

متغیرهای مستقل

معاملات با اشخاص وابسته (RPT) = به صورت نسبت معاملات با اشخاص وابسته (خرید + فروش + سایر درآمدها + سایر هزینه‌ها) به کل فروش اندازه‌گیری شده است (حاجیها و آزادخواه، ۱۳۹۷).
 معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی (OP-RPT) = به صورت نسبت معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی (خرید + فروش) به کل فروش اندازه‌گیری شده است (حاجیها و آزادخواه، ۱۳۹۷).
 معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی (NONOP-RPT) = به صورت نسبت معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی (سایر درآمدها + سایر هزینه‌ها) به کل فروش اندازه‌گیری شده است (حاجیها و آزادخواه، ۱۳۹۷).

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش به پیروی از پژوهش چن (۲۰۲۰) عبارتند از: نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) که به صورت نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود، زیان شرکت (LOSS) و برابر است با ۱ در صورتی که شرکت در طی سال زیان کرده باشد؛ در غیر این صورت صفر، جریان نقد عملیاتی (CFO) که به صورت نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است، اهرم مالی (LEV) که به صورت نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است، اندازه شرکت (SIZE) که به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است، سن شرکت (AGE) که به صورت لگاریتم طبیعی عمر شرکت اندازه‌گیری شده است، مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به کل دارایی‌ها (RECINV) و رشد فروش (GROWTH) که به صورت درصد تغییر در فروش اندازه‌گیری شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی به تلخیص، توصیف و توضیح ویژگی‌های مهم داده‌ها گفته می‌شود. به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه مورد مطالعه و آشنایی بیش‌تر با متغیرهای پژوهش، پیش از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط میان متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌روند. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی داده‌های کمی پژوهش

متغیرهای پژوهش	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۰/۳۴۹۹	۰/۳۴۶۳	۰/۱۹۵۰	۰/۶۸۹۸	۰/۰۰۰۶
معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی	OP-RPT	۰/۳۰۱۲	۰/۲۸۸۹	۰/۱۹۲۱	۰/۶۸۲۱	۰/۰۰۰۱
معاملات با اشخاص وابسته غیر عملیاتی	NONOP-RPT	۰/۰۴۸۷	۰/۰۴۶۷	۰/۰۲۸۵	۰/۰۹۸۱	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶	۰/۱۲۶	۰/۳۶۴	-۰/۰۶۲
جریان نقدی عملیاتی	CFO	۰/۰۹۸	۰/۱۱۷	۰/۳۱۵	۰/۶۴۰	-۰/۴۶۰
اهرم مالی	LEV	۰/۶۱۱	۰/۶۰۸	۰/۱۹۳	۰/۹۳۱	۰/۲۶۰
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۱۲۰	۱۴/۱۷۷	۱/۲۷۲	۱۶/۲۵۸	۱۱/۸۸۳
نسبت مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی به کل دارایی‌ها	RECINV	۰/۴۶۲	۰/۴۶۶	۰/۱۷۸	۰/۷۶۵	۰/۱۵۰
عمر شرکت	AGE	۳/۳۱۴	۳/۳۲۱	۰/۴۶۶	۴/۱۳۹	۲/۴۸۵
رشد فروش	GROWTH	۰/۴۳۱	۰/۴۱۰	۰/۲۶۴	۰/۸۸۵	-۰/۰۲۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی داده‌های کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد	وجود		عدم وجود		مجموع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خرید اظهار نظر حسابرسان	OPShopping _{it} -Index	۲۵۲	۴۳/۱	۳۳۳	۵۶/۹	۵۸۵	۱۰۰
زیان شرکت	LOSS	۶۳	۱۰/۸	۵۲۲	۸۹/۲	۵۸۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۱ مشخص است، به طور متوسط ۶۱ درصد از مبالغ مورد نیاز شرکت‌های مورد مطالعه از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. درآمدهای عملیاتی در شرکت‌های مورد مطالعه نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۴۳ درصد رشد (افزایش) داشته است و جریان وجوه نقد عملیاتی و مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی به ترتیب ۹ و ۴۶ درصد از کل دارایی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همانطور که در جدول ۲ مشخص است، عملیات سال مالی جاری ۱۰ درصد از شرکت‌های مورد مطالعه به زیان ختم شده است و در ۴۳ درصد از شرکت‌های نمونه، پدیده خرید اظهار نظر حسابرسان اتفاق افتاده است.

۲-۵- آمار استنباطی

۱-۲-۵- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

بر اساس فرضیه اول پژوهش، انتظار می‌رود میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهار نظر حسابرِس رابطه مستقیم و معناداری وجود داشته باشد. در ادامه، نتیجه آزمون مدل رگرسیونی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده
مقدار ثابت	-۶/۱۴۲	۸/۶۳۴	۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲
RPT	۰/۶۹۸	۴۷/۳۷۰	۱	۰/۰۰۰	۲/۰۱۱
ROA	۰/۸۳۳	۰/۴۸۹	۱	۰/۴۸۴	۲/۳۰۰
CFO	۰/۵۰۳	۱/۱۹۵	۱	۰/۲۷۴	۱/۶۵۴
LEV	-۱/۲۶۶	۲/۷۰۶	۱	۰/۱۰۰	۰/۲۸۲
SIZE	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۵	۱	۰/۹۰۱	۰/۹۸۶
RECINV	۰/۴۰۹	۰/۲۴۴	۱	۰/۶۲۲	۱/۵۰۵
AGE	۰/۳۵۰	۱/۲۶۵	۱	۰/۲۶۱	۱/۴۱۸
LOSS	۰/۷۶۳	۳/۶۳۹	۱	۰/۰۵۶	۲/۱۴۵
GROWTH	۰/۵۹۰	۱/۱۵۵	۱	۰/۲۸۳	۱/۸۰۳
آماره کای اسکوار: ۷۸/۱۸۰					
سطح معناداری آماره کای اسکوار: ۰/۰۰۰					
درجه آزادی: ۹					
ضریب کاکس-اسنل: ۰/۱۲۵					
درصد پیش‌بینی مدل: ۸۸/۴					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به این که متغیر وابسته پژوهش (خرید اظهار نظر حسابرِس) به صورت صفر و یک تعریف شده است، بایستی از روش رگرسیون لجستیک استفاده نمود. رگرسیون لجستیک نوعی تحلیل رگرسیون است که وقتی متغیر وابسته، طبقه‌ای و دارای دو ارزش باشد به کار می‌رود (این در حالی است که متغیر مستقل می‌تواند پیوسته یا گسسته باشد). این رگرسیون به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می‌شود)، احتمالی را که یک واقعه رخ می‌دهد حداکثر می‌کند. این روش یک تکنیک رگرسیون غیرخطی است و لزومی ندارد که داده‌ها حالت خطی داشته باشند. وجود پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون خطی از جمله

برقراری فروض نرمالیتی و ناهمسانی واریانس در رگرسیون لجستیک ضروری نیست. برای بررسی معناداری کل مدل، از آماره کای اسکوار استفاده می‌شود. با توجه به جدول فوق، مقدار احتمال معناداری آماره کای اسکوار ۰/۰۰۰ می‌باشد. این مقدار کم‌تر از ۵ درصد است؛ بنابراین، فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این موضوع بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل معنادار بوده و حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی، مخالف صفر است و متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته اثر گذارند. در رابطه با فرضیه اول پژوهش، ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته ۰/۶۹۸ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهار نظر حسابرسان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. با توجه به جدول فوق، درصد پیش‌بینی مدل ۸۸/۴ درصد است. از آنجا که در روش رگرسیون لجستیک باینری، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰ درصد باشد تا قابل قبول باشد، می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در پژوهش حاضر مناسب است. در پژوهش حاضر، چون از روش رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود، ضریب تعیین کاکس-اسنل همان نقشی را ایفا می‌کند که R^2 در رگرسیون خطی ایفا می‌نماید. یعنی مقدار ضریب تعیین کاکس-اسنل، میزان وابستگی میان متغیر وابسته به متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. با توجه به جدول شماره ۳ میزان این شاخص برابر ۱۲/۵ درصد است.

۵-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش

بر اساس فرضیه دوم و سوم، انتظار می‌رود میان معاملات با اشخاص غیر عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرسان رابطه مستقیم و معنادار و میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرسان رابطه غیر معنادار وجود داشته باشد. در ادامه، نتیجه آزمون مدل رگرسیونی در جدول ۴ ارائه شده است. با توجه به این که متغیر وابسته پژوهش (خرید اظهار نظر حسابرسان) به صورت صفر و یک تعریف شده است، بایستی از روش رگرسیون لجستیک استفاده نمود. برای بررسی معناداری کل مدل، از آماره کای اسکوار استفاده می‌شود. با توجه به جدول فوق، مقدار احتمال معناداری آماره کای اسکوار ۰/۰۰۰ می‌باشد. این مقدار کم‌تر از ۵ درصد است؛ بنابراین، فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این موضوع بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل معنادار بوده و حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی، مخالف صفر است و متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته اثر گذارند. در رابطه با فرضیه دوم پژوهش، ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی ۰/۸۵۰ و سطح معناداری آن ۰/۱۳۲ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرسان رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. در رابطه با فرضیه سوم پژوهش، ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته غیر عملیاتی ۰/۷۰۰ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین متغیر معاملات با اشخاص وابسته غیر عملیاتی و خرید اظهار نظر حسابرسان رابطه

مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌شود. با توجه به جدول فوق، درصد پیش‌بینی مدل ۸۸/۴ درصد است. از آنجا که در روش رگرسیون لجستیک باینری، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰ درصد باشد تا قابل قبول باشد، می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در پژوهش حاضر مناسب است. همچنین، با توجه به جدول ۴ میزان ضریب تعیین کاکس-اسنل برابر ۱۲/۵ درصد است.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش

متغیر	ضریب	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده
مقدار ثابت	-۶/۲۰۸	۶/۶۸۴	۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲
OP-RPT	۰/۸۵۰	۲/۲۶۶	۱	۰/۱۳۲	۲/۳۴۰
NONOP-RPT	۰/۷۰۰	۴۷/۲۴۳	۱	۰/۰۰۰	۲/۰۱۳
ROA	۰/۸۱۷	۰/۴۶۸	۱	۰/۴۹۴	۲/۲۶۴
CFO	۰/۵۰۳	۱/۱۹۳	۱	۰/۲۷۵	۱/۶۵۳
LEV	-۱/۲۹۳	۲/۷۷۵	۱	۰/۰۹۶	۰/۲۷۴
SIZE	-۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۱	۰/۸۹۶	۰/۹۸۵
RECINV	۰/۴۱۵	۰/۲۵۰	۱	۰/۶۱۷	۱/۵۱۴
AGE	۰/۳۵۱	۱/۲۷۳	۱	۰/۲۵۹	۱/۴۲۰
LOSS	۰/۷۷۲	۳/۶۹۹	۱	۰/۰۵۴	۲/۱۶۴
GROWTH	۰/۶۰۲	۱/۱۹۳	۱	۰/۲۷۵	۱/۸۲۵
آماره کای اسکوار: ۷۸/۲۵۵					
سطح معناداری آماره کای اسکوار: ۰/۰۰۰					
درجه آزادی: ۱۰					
ضریب کاکس-اسنل: ۰/۱۲۵					
درصد پیش‌بینی مدل: ۸۸/۴					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر جهت ایجاد شواهدی مبنی بر تاثیرگذاری معاملات با اشخاص وابسته بر خرید اظهارنظر حسابرِس صورت پذیرفته است. در این راستا، صورت‌های مالی ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و شرکت‌های برگزیده (نمونه آماری) از طریق

روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب شدند. اطلاعات این شرکت‌ها (نمونه آماری) نیز از پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شد. در راستای آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه " میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد"، از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که متغیر معاملات با اشخاص وابسته در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر خرید اظهارنظر حسابرس اثر مثبت و معناداری داشته است. بر اساس استاندارد حسابرسی شماره ۵۵۰، حسابرس باید معاملات عمده با اشخاص وابسته که خارج از روال عادی عملیات واحد تجاری است را عامل ایجاد خطرهای عمده محسوب کند. از طرفی، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش ریسک حسابرسی، نسبت شرکت‌هایی که اظهارنظر تعدیل شده دریافت می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند. از این رو، شرکت‌ها به منظور اجتناب از اظهارنظر تعدیل شده، حسابرس را تحت فشار قرار می‌دهند تا به اظهارنظر حسابرس بهبود بخشند. به عبارتی، به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرس از طریق خرید اظهارنظر حسابرس هستند. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با یافته‌های پژوهش چن (۲۰۲۰) مطابقت دارد؛ زیرا وی نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس در سطح شریک رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این شرکت‌ها برای بهبود در اظهارنظر حسابرسی، از انگیزه بیشتری برخوردار هستند تا موسسه‌های حسابرسی را از طریق تغییر شریک حسابرسی تحت فشار قرار دهند. در راستای آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه " بین معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد"، از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که متغیر معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر خرید اظهارنظر حسابرس اثر معناداری نداشته است. در راستای آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه " بین معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد"، از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان داد که متغیر معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر خرید اظهارنظر حسابرس اثر مثبت و معناداری داشته است. ادبیات از معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی به عنوان فعالیت‌های تخریب‌کننده ارزش یاد می‌کند. بنابراین، شرکت‌هایی که چنین معاملاتی را انجام می‌دهند، عملکرد آتی ضعیفی خواهند داشت و در آینده با بحران مالی روبه‌رو خواهند شد. چنین معاملاتی، حسابرسان را با ریسک حسابرسی قابل توجهی روبه‌رو می‌سازد و احتمال دریافت اظهارنظر تعدیل شده را افزایش می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رود که در شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی بیشتری دارند، بیشتر شاهد خرید اظهارنظر حسابرس باشیم. نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش با یافته‌های پژوهش چن (۲۰۲۰) مطابقت دارد؛ زیرا وی استدلال می‌کند که زمانی که معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی، بخش عمده‌ای از معاملات با اشخاص وابسته را تشکیل می‌دهند، رابطه مثبت میان معاملات با اشخاص وابسته و خرید اظهارنظر حسابرس قوی‌تر است (وجود رابطه مثبت و معنادار میان معاملات با اشخاص وابسته غیرعملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس در سطح شریک و

وجود رابطه غیرمعنادار میان معاملات با اشخاص وابسته عملیاتی و خرید اظهارنظر حسابرس در سطح شریک). بر مبنای یافته‌های پژوهش، به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی توصیه می‌شود که رتبه‌بندی و امتیاز کنترل کیفی مؤسسه‌های حسابرسی را مورد توجه قرار دهند؛ زیرا مؤسسه‌های حسابرسی کوچک و ناشناخته، وابستگی اقتصادی بیشتری نسبت به صاحبکار دارند و بیشتر احتمال دارد که مطابق خواسته‌های صاحبکار عمل کنند. به نهاد‌های نظارتی از جمله جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود که در رابطه با مؤسسه‌های مزبور، دستورالعمل‌های انضباطی تدوین نمایند. به مؤسسه‌های حسابرسی توصیه می‌شود که به منظور حفظ شهرت خود و رشد در بازار حسابرسی ایران، از خرید اظهارنظر توسط صاحبکاران جلوگیری کنند. در نهایت، به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که هر چند خرید اظهارنظر حسابرس باعث می‌شود که آنان به اهداف موردنظر خود در گزارشگری مالی دست یابند، اما این موضوع در بلندمدت تبعاتی را نیز در پی خواهد داشت.

فهرست منابع

- (۱) امیری، اسماعیل و حسین فخاری، (۱۳۹۹)، "شاخص ترکیبی برای خرید اظهارنظر حسابرس مبتنی بر فن تحلیل ممیزی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱)۲۷، صص ۳۱-۱.
- (۲) اسماعیل زاده مقری، علی، صدیقه علیجان‌زاده قرا و سید امین هادیان، (۱۳۹۵)، "تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر سود سهام نقدی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۳۱)۸، صص ۷۵-۵۷.
- (۳) حاجیها، زهره و عادلۀ عادلۀ آزادزاده، (۱۳۹۷)، "معاملات غیر نقدی و غیرعملیاتی با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اندازه مؤسسه حسابرسی"، دانش حسابداری مالی، (۱)۵، صص ۷۸-۵۳.
- (۴) حاجیها، زهره و عادلۀ عادلۀ آزادزاده، (۱۳۹۹)، "رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری: بررسی نقش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، (۴)۹، صص ۱۸۷-۲۱۲.
- (۵) دارابی، رویا و محمود داودخانی، (۱۳۹۴)، "تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۲۸)۷، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- (۶) زینالی، مهدی، (۱۳۹۲)، "رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی"، دانش حسابداری، (۱۴)۴، صص ۱۰۸-۹۱.
- (۷) سرلک، نرگس و مینا اکبری، (۱۳۹۲)، "رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۲۰)۴، صص ۹۲-۷۷.
- (۸) عباس‌زاده، محمدرضا، مصطفی قناد و افشین به‌سودی، (۱۳۹۶)، "رقابت در بازار محصول، معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابرسی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱)۲۴، صص ۸۱-۶۰.

- ۹) نجفیان، خدیجه و مهدی صفری گرایلی، (۱۳۹۶)، "معاملات با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی: آزمون تجربی نظریه تضاد منافع"، حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۵)، صص ۷۷-۹۰.
- ۱۰) واعظ، علی، محمد بنافی و سجاد ویسی، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی"، بررسی‌های حسابداری، ۳(۱۲)، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- ۱۱) وکیلی‌فرد، حمیدرضا و سامان محمدی، (۱۳۹۴)، "تغییر حسابرس و نوع گزارش حسابرسی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۵)، صص ۳۳-۴۸.
- 12) Bennouri, M., Nekhili, M., and Touron, P. (2015), "Does Auditor Reputation Discourage Related-Party Transactions? The French Case", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(4), PP. 1-32.
- 13) Berkman, H., Cole, R. A., and Fu, L. J. (2009), "Expropriation through Loan Guarantees to Related Parties: Evidence from China", *Journal of Banking & Finance*, 33(1), PP. 141-156.
- 14) Carcello, J. V., and Neal, T. L. (2003), "Audit Committee Characteristics and Auditor Dismissals Following "New" Going-concern Reports", *The Accounting Review*, 78(1), PP. 95-117.
- 15) Chang, S. J., and Hong, J. (2000), "Economic Performance of Group-affiliated Companies in Korea: Intragroup Resource Sharing and Internal Business Transactions", *Academy of Management Journal*, 43(3), PP. 429-448.
- 16) Chen, C. J., Su, X., and Zhao, R. (2000), "an Emerging Market's Reaction to Initial Modified Audit Opinions: Evidence from the Shanghai Stock Exchange", *Contemporary Accounting Research*, 17(3), PP. 429-455.
- 17) Chen, G. Z. (2020), "Related Party Transactions and Opinion Shopping", *Journal of Applied Finance & Banking*, 10(1), PP. 173-202.
- 18) Chen, S., Sun, S. Y., and Wu, D. (2010), "Client Importance, Institutional Improvements, and Audit Quality in China: An Office and Individual Auditor Level Analysis", *The Accounting Review*, 85(1), PP. 127-158.
- 19) Chen, S., Wang, K., and Li, X. (2012), "Product Market Competition, Ultimate Controlling Structure and Related Party Transactions", *China Journal of Accounting Research*, 5(4), PP. 293-306.
- 20) Cheung, Y. L., Rau, P. R., and Stouraitis, A. (2006), "Tunneling, Propping, and Expropriation: Evidence from Connected Party Transactions in Hong Kong", *Journal of Financial Economics*, 82(2), PP. 343-386.
- 21) Chow, C. W., and Rice, S. J. (1982), "Qualified Audit Opinions and Auditor Switching", *The Accounting Review*, 57(2), PP. 326-335.
- 22) Davidson III, W. N., Jiraporn, P., and DaDalt, P. (2006), "Causes and Consequences of Audit Shopping: an Analysis of Auditor Opinions, Earnings Management, and Auditor Changes", *Quarterly Journal of Business and Economics*, 45(1-2), PP. 69-88.
- 23) DeFond, M. L., Wong, T. J., and Li, S. (1999), "The Impact of Improved Auditor Independence on Audit Market Concentration in China", *Journal of Accounting and Economics*, 28(3), PP. 269-305.
- 24) Dopuch, N., Holthausen, R. W., and Leftwich, R. W. (1987), "Predicting Audit Qualifications with Financial and Market Variables", *The Accounting Review*, 62(3), PP. 431-454.

- 25) Francis, J. R., and Krishnan, J. (1999), "Accounting Accruals and Auditor Reporting Conservatism", *Contemporary Accounting Research*, 16(1), PP. 135-165.
- 26) Friedman, E., Johnson, S., and Mitton, T. (2003), "Propping and Tunneling", *Journal of Comparative Economics*, 31(4), PP. 732-750.
- 27) Gordon, E. A., and Henry, E. (2005), "Related Party Transactions and Earnings Management", Working Paper, Rutgers University.
- 28) Gordon, E., Henry, E., and Palia, D. (2004), "Related Party Transactions: Associations with Corporate Governance and Firm Value", Working Paper, Rutgers University.
- 29) Gordon, E. A., Henry, E., Louwers, T. J., and Reed, B. J. (2007), "Auditing Related Party Transactions: A Literature Overview and Research Synthesis", *Accounting Horizons*, 21(1), PP. 81-102.
- 30) Habib, A., Jiang, H., and Zhou, D. (2015), "Related-party Transactions and Audit Fees: Evidence from China", *Journal of International Accounting Research*, 14(1), PP. 59-83.
- 31) Haw, I. M. G., Park, K., Qi, D., and Wu, W. (2003), "Audit Qualification and Timing of Earnings Announcements: Evidence from China", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), PP. 121-146.
- 32) Jian, M., and Wong, T. J. (2004), "Earnings Management and Tunneling through Related Party Transactions: Evidence from Chinese Corporate Groups", Working Paper, Nanyang Technological University.
- 33) Jian, M., and Wong, T. J. (2010), "Propping through Related Party Transactions", *Review of Accounting Studies*, 15(1), PP. 70-105.
- 34) Jiang, G., Lee, C. M., and Yue, H. (2010), "Tunneling through Intercorporate Loans: The China Experience", *Journal of Financial Economics*, 98(1), PP. 1-20.
- 35) Jones, F. L. (1996), "The Information Content of the Auditor's Going Concern Evaluation", *Journal of Accounting and Public Policy*, 15(1), PP. 1-27.
- 36) Khanna, T., and Palepu, K. (2000), "Is Group Affiliation Profitable in Emerging Markets? An Analysis of Diversified Indian Business Groups", *The Journal of Finance*, 55(2), PP. 867-891.
- 37) Khanna, T., and Palepu, K. (1997), "Why Focused Strategies May be Wrong for Emerging Markets", *Harvard Business Review*, 75(4), PP. 41-48.
- 38) Kohlbeck, M., and Mayhew, B. W. (2010), "Valuation of Firms that Disclose Related Party Transactions", *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(2), PP. 115-137.
- 39) Lee, M. G., Kang, M., Lee, H. Y., and Park, J. C. (2016), "Related-party Transactions and Financial Statement Comparability: Evidence from South Korea", *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(2), PP. 224-252.
- 40) Lennox, C. (2000), "Do Companies Successfully Engage in Opinion-shopping? Evidence from the UK", *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), PP. 321-337.
- 41) Lin, Z. J., and M. Liu, M. (2010), "The Determinants of Auditor Switching from the Perspective of Corporate Governance in China", *Advances in Accounting*, 26(1), PP. 117-127.
- 42) Liu, J. M., and Liu, X. (2007), "The Empirical Research on the Relationship between Related-party Transactions and Internal Corporate Governance of Listed Companies. (In Chinese)", *China Soft Science*, (1), PP. 79-89.
- 43) Newton, N. J., Persellin, J. S., Wang, D., and Wilkins, M. S. (2015), "Internal Control Opinion Shopping and Audit Market Competition", *The Accounting Review*, 91(2), PP. 603-623.
- 44) Ryngaert, M., and Thomas, S. (2012), "Not all Related Party Transactions (RPTs) Are the Same: ex ante Versus ex Post RPTs", *Journal of Accounting Research*, 50(3), PP. 845-882.
- 45) Shin, H. H., and Park, Y. S. (1999), "Financing Constraints and Internal Capital Markets: Evidence from Korean 'Chaebols'", *Journal of Corporate Finance*, 5(2), PP. 169-191.

- 46) Wong, R. M., Kim, J. B., and Lo, A. W. (2015), "Are Related-Party Sales Value-Adding or Value-Destroying? Evidence from China", *Journal of International Financial Management & Accounting*, 26(1), PP. 1-38.
- 47) Zhu, Y., and Zhu, X. (2012), "Impact of the Share Structure Reform on the Role of Operating Related Party Transactions in China", *Emerging Markets Finance and Trade*, 48(6), PP. 73-94.

Abstract

<https://doi.org/10.30495/faar.2023.1946756.3391>

Auditor Opinion Shopping and Related Party Transactions: Evidence of Tehran Stock Exchange

Hasan Yari ¹

Mahmoud Shahbakhsh ²

Rafik Baghomian ³

Received: 06 / April / 2023 Accepted: 11 / June / 2023

Abstract

The present study was conducted to investigate the relationship between auditor opinion shopping and related party transactions. In this regard, we analyzed financial statements of 117 companies listed in Tehran Stock Exchange (TSE) for the period of 2015-2019. The present study is an applied research and was conducted by descriptive-correlation method. In this present study, the composite index of Amiri and Fakhari (2020) was used to measure auditor opinion shopping. In this study, independent variable is related party transactions that was measured by dividing related party transactions on sales. Hypothesis testing was carried out through logistic regression model and Eviews 10 software. The results indicated that related party transactions have a positive and significant relationship with the auditor opinion shopping. Also, the results indicated that non-operating related party transactions have a positive and significant relationship with auditor opinion shopping. However, there was no significant relationship between operating related party transactions and auditor opinion shopping.

Keywords: Auditor Opinion Shopping, Related Party Transactions, Operating Related Opinion Transactions, Non-operating Related Party Transactions, Audit Quality

¹ Department of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Hasanyari238@gmail.com

² Department of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. mahmoud3037003@gmail.com

³ Department Professor of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Corresponding Author. r_baghomian@sbu.ac.ir

<http://faar.iauctb.ac.ir>

208



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License